

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

احمد الحسنی
فرستنده: علی کاظمی
۱۳ مارچ ۲۰۲۳

اختلاف امریکا و عربستان در جنگ یمن آشکار می شود.



سیاست های امریکا و عربستان در مورد یمن متفاوت است.

ریاض می خواهد از باتلاق خودساخته یمن خارج شود و مایل است به محاصره مناطق تحت کنترل انصارالله پایان دهد. واشنگتن هیچ کدام از این اهداف را دنبال نمی کند و در حال خرابکاری در توافق صلح عربستان و یمن است .

ایالات متحده از زمان آغاز جنگ یمن در سال ۲۰۱۵ نقش مهمی در حمایت از جنگ به رهبری عربستان سعودی ایفاء کرده است. با این حال، پس از هشت سال جنگ و تغییرات چشمگیر ژئوپلیتیکی که در یمن، غرب آسیا و جهان رخ داده است، اکنون اهداف واشنگتن از اهداف دولت عربستان سعودی فاصله گرفته است .
برای چندین دهه، واشنگتن با یمن به عنوان حیاط خلوت عربستان سعودی رفتار می کرد .
تنها استثناء این قاعده در سال ۱۹۹۴ بود که علی عبدالله صالح، رئیس جمهور سابق یمن با ایالات متحده و بدون رضایت رهبران سعودی که از جدائی طلبان جنوبی حمایت می کردند، به جنگ داخلی این کشور پایان داد .

به جز این مورد امریکا دست ریاض را باز گذاشته است تا هرچه می خواهد با یمن انجام دهد و این منجر به دخالت مدام این کشور در فرآیندهای داخلی این کشور شده است که نمونه های آن مانند سرنگونی دولت ها، انتصاب مقامات و دستکاری درگیری های قبیله ئی بسیارند.

در این دوران، واشنگتن بیش از یک بار در یمن مداخله نظامی کرد، یا به بهانه «مبارزه با تروریسم» و یا برای جلوگیری از تحکیم و رشد ارتش یمن آنها با همدستی و هماهنگی رژیم صالح .

قبل از شروع تهاجم عربستان سعودی، ایالات متحده نیز کنترل خود را بر یمن حفظ کرد تا جریان حدود پنج میلیون بشکه نفتی را که روزانه از تنگه باب المندب عبور می کرد، تضمین کند .

اما هنگامی که تهاجم عربستان سعودی آغاز شد، واشنگتن نقشی محوری در پشت صحنه برای کمک به ریاض برای دستیابی سریع به اهداف نظامی خود ایفاء کرد .

برنامه ریزان امریکائی طیف کاملی از تجهیزات و خدمات را در اختیار سعودی ها قرار دادند: تسلیحات دقیق، پشتیبانی نظامی و لجستیکی، و تصویربرداری ماهواره ئی حیاتی برای ادامه جنگ .

از سال ۲۰۱۰ تا آغاز جنگ یمن در سال ۲۰۱۵، ایالات متحده تنها ۳ میلیارد دلار سلاح به عربستان سعودی فروخته بود .

بین سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰، این رقم به رقم حیرت آور ۶۴.۱ میلیارد دلار افزایش یافت – بدون احتساب افزایش فروش تسلیحات به متحدان سعودی در جنگ یمن، مانند امارات متحده عربی .

با این حال، مقاومت یمن بزودی ثابت کرد که ارتش یمن و انصارالله توانا تر از آن چیزی هستند که ائتلاف یا حامیان غربی آن انتظارش را داشتند .

همانطور که یکی از مقامات امریکائی توضیح داد، جنگ تحت رهبری عربستان سعودی شبیه «سوار شدن در اتوبوسی که توسط یک مست رانده می شود» شده است .

با عمیق تر شدن باتلاق، ایالات متحده با مشارکت با امارات متحده عربی برای به دست آوردن کنترل استان های جنوبی یمن و سواحل غربی آن، به مداخله مستقیم در جنگ پرداخت .

آغاز تهاجم سعودی به یمن در مارچ ۲۰۱۵ تنها چند ماه پس از تصرف صنعا توسط نیروهای انصارالله و سرنگونی دولت متحد غرب در جریان انقلاب ۲۱ سپتمبر صورت گرفت .

این جنگ همچنین تنها چند ماه قبل از امضای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که به توافق هسته ئی ایران نیز معروف است، توسط ایران و قدرت های غربی آغاز شد .

ریاض از ترس این که این گام بتواند حمایت ایالات متحده از پادشاهی را به خطر بیندازد، وارد جنگ شد و متحدان خود را با خود همراه کرد – تا از توافقات امنیتی و همچنین معاملات تسلیحاتی و لجستیکی با شرکت های امریکائی استفاده کرده و امریکا را در مقابل یک عمل انجام شده قرار دهد تا از عربستان محافظت کند .

ایالات متحده فقط یک همدست توطئه نبود، بلکه منافعی در این کار داشت.

حمایت واشنگتن از جنگ یمن موجب افزایش بی سابقه درآمد شرکت های تولید کننده و خدمات لجستیکی نظامی امریکائی که در خدمت نیروهای مسلح عربستان سعودی بودند می شد. آنها با عربستان سعودی قراردادهائی بسته بودند که درآمدی بسیار فراتر از ارزش واقعی کالاها و یا سرویسی که به آن کشور ارائه می کردند نصیبشان می کرد.

مهمتر از همه و در اتحاد کامل با ریاض، واشنگتن علاقه شدیدی به جلوگیری از کنترل یمن توسط انصارالله و تبدیل آن به یک کشور باثبات و مستقل داشت که می تواند در منطقه خلیج فارس نفوذ ایجاد کند .

اما علی رغم تلاش اولیه ایالات متحده برای کمک به پادشاهی برای به دست آوردن مجدد کنترل یمن، با گذشت سال ها و افزایش شمار کشته شدگان غیرنظامی – و با بهبود توانایی های تهاجمی انصارالله و حملات راکتی به شهرهای سعودی و اماراتی و زیرساخت ها – واشنگتن شروع به اعمال نفوذ و برای تغییر سیاست اتحاد تهاجمی کرد . فشار بر پادشاهی برای دستیابی به توافق آتش بس، با یک شرط:

«هرگونه آتش بس باید تضمین کننده ادامه محاصره مناطق شمالی یمن تحت کنترل انصارالله باشد.»

به همین منظور، واشنگتن «تیم لندرکینگ»، معاون دستیار وزیر امور خارجه در امور خلیج فارس را به عنوان فرستاده ویژه خود در امور یمن منصوب کرد .

با تمام اینها تلاش های نماینده واشنگتن چیزی در حد همان صحبت های قدیمی امریکا درباره جلوگیری از «قدرت رو به رشد» داعش و القاعده در یمن فراتر نرفت .

و سر آخر هم لندرکینگ به عقب نشینی از موضع ثبات و استقلال واقعی یمن که می تواند با عربستان سعودی رقابت کند و توازن قوا در منطقه را به هم بزند، ادامه داد .

ایالات متحده سال گذشته از انتصاب غیرقانونی شورای به اصطلاح ریاست جمهوری انتقالی (TPC) حمایت کرد که از عبدربه منصور هادی، رئیس جمهور مخلوع، که توسط رهبران سعودی که از مانورهای نیمه علنی او ناامید شده بودند، از سمت خود کنار گذاشته شد، حمایت کرد .

این سازمان همچنین از ایجاد یک «نیروی متحد» وابسته به وزارت دفاع شورا حمایت کرد، علی رغم این که می دانست که بخش های داخلی این نیرو مانند بمب ساعتی عمل می کنند که به مرور زمان بالاخره منفجر می شوند و دولتی شکست خورده را ایجاد می کند که توسط شبه نظامیان رقیب اداره می شود .

علی رغم منافع مشترک، ایالات متحده و عربستان سعودی اما این دو کشور در مورد همه چیز در یمن با هم اتفاق نظر ندارند و دیدگاه های مربوطه آنها از برخی جهات مهم متفاوت است. مهمترین اولویت های ایالات متحده عبارتند از:

مبارزه با تروریسم: پس از حمله سال ۲۰۰۰ القاعده به ناوشکن راکتی هدایت شونده یو اس اس کول در سواحل عدن، ایالات متحده حضور خود را در یمن به بهانه مبارزه با تروریسم تشدید کرد .

واشنگتن با دولت صالح قراردادهای امنیتی برای راهاندازی ایستگاه های اطلاعاتی امریکا در صنعا و عدن و استقرار واحدهای نظامی در پایگاه های العند و دیلمی امضاء کرد .

هنگامی که القاعده پس از سال ۲۰۱۱ فعالیت های خود را در یمن افزایش داد، نقش نظامی ایالات متحده نیز با اعزام حداقل ۵۰۰۰ سرباز به این کشور افزایش یافت .

واشنگتن همچنین سالانه ۲۵۰ میلیون دلار به وزارت دفاع یمن برای مبارزه با گروه های مسلح اختصاص داد .

این امر تا سال ۲۰۱۴ ادامه داشت، زمانی که انصارالله کنترل صنعا را به دست گرفت و ایالات متحده را تحت فشار قرار داد تا برای پروژه به اصطلاح ضد تروریسم خود به امارات متکی شود .

هماهنگی امریکا و امارات: هماهنگی امنیتی و سیاسی بین ابوظبی و واشنگتن در یمن طی سال ها پس از این که اماراتی ها جایگزین سعودی ها در چندین منطقه از کشور شدند، افزایش یافت .

در پیکر امارات، ایالات متحده ابزار مفیدی برای چندین طرح غیرمستقیم خود پیدا کرد .

به این سیاست، ائتلاف جدید امارات متحده عربی با اسرائیل هم اضافه می شود، زیرا این دو کشور به صورت پشت سر هم در جزایر ستراتیژیک یمن سقطرا و مایون کار می کنند .

حفاظت از ناوبری بین المللی: ایالات متحده نیروهای بحری ترکیبی (CMF) را در کنار ۳۳ کشور برای ایمن سازی مسیرهای آبی در بحیره سرخ و خلیج عدن و محافظت از نفتکش های عبوری از تنگه باب المندب که از کشورهای حاشیه خلیج فارس می آمدند، تأسیس کرد. ناوگان پنجم نیروی بحری امریکا مستقر در بحرین نیز در امتداد آب های سرزمینی یمن فعال است و بارها مدعی شده است که محموله های تسلیحاتی از ایران را به مقصد بنادر تحت کنترل انصارالله مصادره کرده است .

تقسیم یمن: وقتی نوبت به طرح های سیاسی آینده این کشور می رسد، چشم انداز یمن واقعاً بین ایالات متحده و عربستان سعودی متفاوت می شود .

خلاف عربستان سعودی – که نتیجه ای را پیش بینی می کند که در آن یمن یا به عنوان یک دولت متمرکز قوی وفادار به ریاض باقی می ماند امریکا از طرح تقسیم یمن به شش منطقه خودمختار حمایت می کند که زیر چتر یک دولت مرکزی اداره می شوند، ابوظبی مانند واشنگتن، از تقسیم این کشور حمایت می کند .

در سناریوی دوم (امریکا و امارات)، انصارالله اجازه خواهد داشت مناطق شمالی تحت کنترل خود را حفظ کند، در حالی که بقیه یمن به چهار منطقه مستقل (عدن، حضرموت، مارب و سواحل غربی) تقسیم خواهد شد .

ایالات متحده این تقسیم را به عنوان طرح ستراتیژیک برای به حاشیه راندن انصارالله و محدود کردن نفوذ آن به یک منطقه جغرافیائی خاص، هم مرز با چهار کشور کوچک متخاصم، در خصوصیت خود با صنعا در نظر می گیرد .

در جنوری، عربستان سعودی با انصارالله در صنعا و سادا مذاکره کرد، جایی که دو طرف توافق کردند که شرایط آتش بس با میانجیگری ملل متحد را که در اپریل ۲۰۲۲ امضاء شد، گسترش دهند .

سعودی ها همچنین موافقت کردند که به خواسته های بشردوستانه انصارالله که شامل کاهش محاصره هوایی (فرودگاه صنعا) و بحری (بندر حدیده) است که یمن را تا آستانه قحطی کشانده است، پاسخ دهند .

شرایط جدید همچنین شامل پرداخت حقوق کارکنان دولت صنعا است که به مدت هفت سال است که حسابهای آنان مسدود شده است .

به گفته منابعی در پایتخت یمن، این مداخله امریکا بود که مانع از اجرای این توافق جدید توسط عربستان شد .

سعودی ها وقتی اعلام کردند «شرکای ما با گسترش آتش بس مخالف هستند» – منظورشان از شرکاء امارات نبود .

پس از گذشت تقریباً هشت سال از جنگ خانمان سوز نه امریکا و نه عربستان سعودی در مقابله با انصارالله و ضعیف کردن یمن و گرفتار کردن این کشور در بحران کوچکترین اختلاف نظری ندارند.

اما علی رغم محاصره وحشیانه تحمیل شده بر یمن، ارتش یمن به طور قابل توجهی توانائی های تهاجمی و پیشرفت های کیفی نظامی خود را افزایش داده است و پادشاهی عربستان را مجبور کرده است که به دنبال راه خروجی از خصوصیت ها باشد تا از پروژه ها و اقتصاد ملی جاه طلبانه محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی محافظت کند. – و از زیان های خود در یمن بکاهد .

این اولویت داخلی فعلی ریاض است. در حالی که ایالات متحده، هزاران مایل دورتر از نبرد، همچنان بر ادامه درگیری یمن برای استفاده به عنوان اهرمی برای ستراتیژی های منطقه ئی گسترده تر خود پافشاری می کند .

این شامل بهره برداری از پیامدهای فاجعه بار انسانی جنگ برای افزایش فشار داخلی بر انصارالله است .
به طور خلاصه اگر بخواهم بیان کنم برای امریکا ادامه آتش بس موجود اما فقط به شرط آن که محاصره شدید اقتصادی
انصارالله و صنعا ادامه یابد قابل تصور است اما واشنگتن به پایان دادن به جنگ یمن فکر نمی کند.